



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

شهر
سرخون



سه روز در بهشت

نمونه فیش سخنرانی
ویژه ایام اعتکاف

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز سیدگنی به امور مساجد

نرد بهشت، ماه ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهد سخن ۱: سه روز در بهشت (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام اعتکاف)

نویسنده:

گروه پژوهشهای کاربردی مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سه روز در بهشت (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام اعتکاف)
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۰	اعتکاف یکی از رویش های انقلابی است
۱۱	مقدمه
۱۵	کتاب غریب
۱۵	ایجاد انگیزه
۲۱	تحریک احساس
۲۳	رفتار سازی
۲۸	محبت الهی و توبه
۲۸	ایجاد انگیزه
۲۹	اقتناع اندیشه
۳۱	تحریک احساس
۳۵	رفتار سازی
۴۰	خلوت و خودسازی
۴۰	شروع انگیزه سازی
۴۲	اقتناع اندیشه
۴۳	پرورش احساس
۴۳	اشاره
۴۳	۱. جهان شناسی:
۴۵	۲. تفکر و تدبیر در مرگ:
۴۶	۳. عبرت آموزی:

۴۷	۴. تفکر و تدبیر در قرآن :
۴۸	رفتار سازی
۵۲	نماز شب
۵۲	ایجاد انگیزه
۵۳	اقتناع اندیشه
۵۷	تحریک احساس
۵۷	اشاره
۵۸	۱- حاج میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله علیه
۵۹	۲- علامه مجلسی اول رحمه الله علیه
۶۰	۳- امام خمینی رحمه الله علیه
۶۱	رفتار سازی
۶۱	موانع سحرخیزی
۶۱	اشاره
۶۲	۱- عوامل جسمی:
۶۲	۲- عوامل روحی(گناهان):
۶۳	نکته:
۶۵	وفات حضرت زینب سلام الله علیها
۶۵	ایجاد انگیزه
۶۹	اقتناع اندیشه
۷۱	تحریک احساس
۷۳	رفتار سازی
۷۵	روضه
۷۷	درباره مرکز

سه روز در بهشت (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام اعتکاف)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: سه روز در بهشت (نمونه فیش سخنرانی ویژه ایام اعتکاف) / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد اردیبهشت ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۷۰ص

زبان: فارسی

موضوع: اعتکاف -- اسلام

موضوع: اعتکاف

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

فهرست مطالب

کتاب غریب...۹

محبت الهی و توبه...۲۲

خلوت و خودسازی...۳۴

نماز شب...۴۶

وفات حضرت زینب علیها السلام...۵۹

ص: ۳

اعتکاف یکی از رویش های انقلابی است

خوشا به حالتان معتکفین عزیز. پدیده‌ی اعتکاف یکی از رویش های انقلابی است. ما اول انقلاب این چیزها را نداشتیم. اعتکاف همیشه بود. زمان جوانی ما وقتی ایام ماه رجب فرا می رسید، در مسجد امام قم - آنهم فقط قم، در مشهد من اصلاً اعتکاف ندیده بودم، شاید پنجاه نفر، صد نفر فقط طلبه اعتکاف می کردند. این پدیده‌ی عمومی؛ این که دهها هزار نفر در مراسم اعتکاف شرکت کنند، آن هم اغلب جوان، جزو رویشهای انقلاب است. من یک وقت عرض کردم که انقلاب ما ریزش دارد، اما رویش هم دارد؛ رویش ها بر ریزش ها غلبه دارند. پس خوشا به حالتان معتکفین عزیز.

مقام معظم رهبری، خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸

ص: ۴

روزهای سپید و نورانی عبادت و بندگی «ایام البیض» در فصل بهار سلوک و معنویت، رجب و شعبان و رمضان المبارک، قطعه‌ی زمانی از حیات طیبه است که در حرارت کلافه‌کننده‌ی روزمرگی‌های یکنواخت زندگی، پنجره‌ای از بهشت را به روی اهل ایمان می‌گشاید.

اعتکاف رجبیه و شعبانیه و رمضانیه مورد تأکید همیشگی پیشوایان الهی و سیره‌ی حسنه‌ی بزرگان دین بوده است.

یکی از برکات ارزشمند انقلاب اسلامی، احیاء این سنت انسان‌ساز است، پدیده‌ای مبارک که به فرموده رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی، از رویش‌های انقلاب عظیم اسلامی مان به شمار می‌رود. و هر سال بیش از سال گذشته مورد توجه و استقبال مؤمنان به ویژه نسل آینده

ساز قرار می گیرد.

مسجد» و وقوف حداقل سه روزه در خانه خدا یکی از ارکان اصلی تحقق اعتکاف است، که در کنار روزه به این عبادت الهی قوام می بخشد. اعتکاف، بهار حضور در خانه خدا و جلوه گاه خلوت عاشقانه با حضرت معبود است. خلوتی در میان جمع، آن هم در مساجد جامع و مساجد اصلی و محوری، که محل رفت و آمد مردم است، همراه با ترنم ذکر و دعا و نماز و تلاوت قرآن و سکوت و صمت و تفکر و سحر خیزی عاشقانه!

فرصت اعتکاف در مساجد، یک فرصت طلایی برای آشنایی با آداب و اسرار آن و شناخت و تفکر در معارف الهی و آسمانی است که محور آن مبلغان دینی و به ویژه ائمه محترم جماعات هستند. فرصتی که دل ها و روحهای صیقل خورده با «صوم» و «صلاه» و «صمت» و وقوف در خانه خدا را آماده پذیرش بهتر مواعظ و حکمت های قرآنی و ولایی می سازد.

این جزوه مختصر تلاشی است برای انتقال بهتر معارف و حیانی به جان پاک و روحهای مستعد میهمانان

ص: ۶

سه روزه خانه خدا، که توسط فاضل ارجمند حجت الاسلام و المسلمین هادی پور و به کوشش دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، تقدیم ائمه بزرگوار جماعت می گردد.

امید آنکه با ارائه نقدهای سازنده ما را در گامهای بعد یاری فرمائید.

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی اجتماعی

ص: ۷

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: هنگامی که موسی با خضر علیهما السلام ملاقات کرد، صحنه عجیبی توجه آنان را به خود جلب کرد. پرنده ای در مقابل آنان ظاهر شد که کمی کوچکتر از گنجشک بود.

آن پرنده با منقار خود قطره ای آب برداشت و به طرف مشرق پرتاب کرد! بار دوم قطره ای دیگر برداشت و آن را به طرف مغرب انداخت، بار سوم آن را به طرف جنوب و بار چهارم به طرف شمال پرتاب کرد! و دفعه پنجم به طرف آسمان و دفعه ششم به خشکی و دفعه هفتم به دریا انداخت و سپس پر کشید و پرواز کرد. خضر به موسی علیهما السلام گفت: آیا می دانی این پرنده چه می گوید؟ موسی علیه السلام گفت: چه می گوید؟

خضر علیه السلام گفت:

می گوید: علم شما دو نفر روی هم در مقابل دانش آخرین پیامبر و وصیش همانند این قطره است در مقابل این دریا! (۱)

اقناع اندیشه

«قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَتْلُوَنِي أَشْكُرَ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ.» (نمل / آیات ۳۸ تا ۴۰)

کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت، گفت: من آن را پیش از آن که چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که (سلیمان) آن را نزد خود مستقر دید، گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می آورم یا کفران می کنم.

آیه ی مورد بحث می فرماید: کسی که مقداری از

ص: ۱۰

۱- . البرهان، ج ۳، ص ۴۴۵.

علم کتاب را داشت، گفت: ای سلیمان! قبل از یک چشم به هم زدن، تخت ملکه ی سبأ را از کشورش به این جا منتقل می کنم. اما در آیه ی آخر سوره ی رعد، خداوند به پیامبرش می فرماید: کفار رسالت تو را قبول ندارند، به آنان بگو کافی است که خداوند و کسی که تمام علم کتاب را دارد، میان من و شما گواه باشد: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (۱)

در روایات می خوانیم: مراد از کسی که تمام علم کتاب را دارد، علی بن ابی طالب علیه السلام است. اگر کسی که بخشی از علم کتاب را می داند تخت بلقیس را در یک آن حاضر می کند، پس کسی که تمام علم کتاب را می داند، در تمام عمر چه قدرتی دارد؟

امام صادق علیه السلام می فرماید:

آگاهی کسی که بخشی از علم را داشت، نسبت به علم علی علیه السلام، مثل مقدار آبی است که بر بال یک مگس

ص: ۱۱

باشد نسبت به دریا. (۱)

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وآله چنین آمده است:

ابو سعید می گوید: من از معنی "الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ" (که در داستان سلیمان آمده) از محضرش سؤال کردم. فرمود: او وصی برادرم سلیمان بن داوود بود، عرض کردم: "وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ" از چه کسی سخن می گوید؟ فرمود:

ذاک اخی علی بن ابی طالب:

او برادرم علی بن ابی طالب است!

توجه به تفاوت "علم من الكتاب" که علم جزئی را می گوید، و "علم الكتاب" که "علم کلی" را بیان می کند، روشن می سازد که میان "آصف" و "علی" علیه السلام چه اندازه تفاوت بوده است؟!

در روایات بسیاری می خوانیم که اسم اعظم الهی هفتاد و سه حرف است که یک حرف آن نزد "آصف بن برخیا" بود، و چنان خرق عادت را انجام داد،

ص: ۱۲

۱- . تفسیر نور، ج ۸، ص ۴۲۴.

و نزد امامان اهل بیت علیهم السلام هفتاد و دو حرف آن است، و یک حرف آن مخصوص به ذات پاک خدا است. (۱)

امام و مولای ما آن قدر علم دارد که علم موسی و خضر علیهما السلام در مقابلش مثل یک قطره است در مقابل دریا، ما چند بار از این علم استفاده کرده ایم؟

حاج آقا! مگر می شود از علم آقا استفاده کرد؟ حضرت الان در قید حیات نیستند که در منبر کوفه بگویند هر کسی هر سئوالی دارد پرسد؛ من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می شناسم، تا ما برویم و از محضرشان سئوال کنیم!

آقای ما در قید حیات نیست، ولی اثری از حضرت به جا مانده که گنجینه ای از علم و معرفت است. گنجینه ای که هر کس به سمت آن رفته، بهره بسیاری برده است.

شهید مطهری در مقدمه کتاب سیری در نهج البلاغه می نویسد: یک تابستان برای فرار از گرمای شدید قم به

ص: ۱۳

۱- . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۷۴.

اصفهان رفتم. در اصفهان با استادی آشنا شدم که مرا با چیز گرانبهائی آشنا کرد.

شهید مطهری می گوید: من سال های زیادی بود که اسم نهج البلاغه را شنیده بودم و آن را دیده بودم، ولی هیچگاه سراغ این کتاب نرفته بودم تا اینکه این استاد بزرگوار مرا با این کتاب آشنا کرد. احساس کردم که دنیای جدیدی کشف کرده ام.

شیخ محمد عبده، عالم بزرگ دانشگاه الازهر مصر، اولین کسی است که این کتاب ارزشمند را در مصر چاپ کرده، او گفته: اصلاً با این کتاب آشنایی نداشتم تا اینکه در یک شهر غریب این کتاب را مطالعه کردم. سخت در شگفت شدم. احساس کردم به گنجینه ای گرانبها دست یافته ام. همان موقع تصمیم گرفتم که آن را چاپ کنم. (۱)

ابن ابی الحدید معتزلی، عالم سنی، درباره یکی از خطبه های نهج البلاغه می گوید: من در طول ۵۰ سال

ص: ۱۴

۱- مقدمه کتاب سیری در نهج البلاغه، شهید مطهری.

جرج جرداق مسیحی در طول عمرش ۲۰۰ بار نهج البلاغه را مطالعه کرده است، اما من و شمای شیعه یک بار هم سراغ این کتاب نرفته ایم. حتی در بعضی خانه ها اثری از این گنجینه نیست.

تحریک احساس

خیلی برای ما شیعیان شرمندگی دارد که یک عالم سنی وقتی نهج البلاغه را می خواند تصمیم بگیرد چاپش کند و در کشورش ترویج بدهد، و دیگر عالم سنی، یک خطبه آن را ۱۰۰۰ بار بخواند، اما ما تا به حال سراغش نرفته ایم. بسیاری از ما در خانه هایمان نهج البلاغه نداریم؛ چه رسد به این که بخوایم آن را بخوانیم. ما خیلی بی معرفتیم. تازه، ادعا هم می کنیم که اگر در زمان حضرت بودیم نمی گذاشتیم آقا این قدر غریب باشد. اگر مردی یا علی مدد! الان کلام آقا را از غربت در بیاور! عهد کن حداقل روزی یک صفحه از

ص: ۱۵

این کلام مبارک را بخوانی.

ببینیم حضرت چه انتظاری از یاران و شیعیانشان داشته اند و روز تولد آقا کمی دل ایشان را شاد کنیم. بگوییم: آقا جان! اگر در زمان شما نبودیم که کلامتان را عملی کنیم و تسکین دردهای دلتان باشیم، امروز که هستیم محکم ایستاده ایم تا غصه هایتان را کم کنیم.

آقای آهنگران تعریف می کند: اتاق کوچکی از ساختمان نهضت سواد آموزی اهواز در اختیار سید حسین علم الهدی بود. او و چند نفر از دوستانش، از جمله من، به آنجا رفت و آمد داشتیم. یکی از شب ها، من و سید حسین در این اتاق مشغول مطالعه بودیم. نیمه های شب بود که سید حسین نهج البلاغه می خواند. وقتی من نگاه کردم دیدم چهره اش برافروخته شده و دارد اشک می ریزد. من زیرچشمی به نهج البلاغه نگاه کردم و صفحه را به ذهن سپردم. پس از مدتی که سید حسین نهج البلاغه را بست و برای استراحت بیرون رفت، من نهج البلاغه را باز کردم و آن صفحه را نگاه کردم. دیدم همان خطبه ای

ص: ۱۶

است که حضرت در فراق یاران با وفایش گریه می کند و می فرماید: این عمار این ذو الشهادتین... (۱)

رفتار سازی

میدانی درد مولای من و تو چیست؟ درد آقای من و تو درد بی یآوری است.

حضرت در خطبه ۲۷ نهج البلاغه از دست کوفیان چنان شکایت می کند که دل انسان از بی غیرتی کوفیان به درد می آید. بین کوفیان چه کردند با امیرالمؤمنین که آقایی که مظهر صبر است با آن ها این طور صحبت می کند. حضرت حتی با اهل مدینه و قاتلین همسرش هم اینطور سخن نگفته است!

«يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَمَّا رَجَالَ حُلُومِ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرَكُمُ وَ لَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهُ جَزَتْ نَدَمًا وَ أَعْقَبَتْ سِدَمًا قَاتَلَكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا وَ شَحْنَةً صَدْرِي غَيْظًا وَ جَزَعْتُمُونِي نَعْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أفسِدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعُضْيَانِ وَ الْخِذْلَانِ

ص: ۱۷

حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شَجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ لِلَّهِ أَبُوهُمْ وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَ أَقْدَمٌ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَ مَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ وَ هَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السِّتِينَ وَ لَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ.»

ای مرد نمایان نامرد! ای کودک صفتان بی خرد که عقل های شما به عروسان پرده نشین شباهت دارد! چقدر دوست داشتم که شما را هرگز نمی دیدم و هرگز نمی شناختم! شناسایی شما- سوگند به خدا- که جز پشیمانی حاصلی نداشت، و اندوهی غم بار سر انجام آن شد.

خدا شما را بکشد که دل من از دست شما پر خون، و سینه ام از خشم شما مالا مال است! کاسه های غم و اندوه را، جرعه جرعه به من نوشاندید، و با نافرمانی و ذلت پذیری، رأی و تدبیر مرا تباه کردید، تا آنجا که قریش در حق من گفت:

«بی تردید پسر ابی طالب مردی دلیر است ولی دانش نظامی ندارد.» خدا پدرشان را مزد دهد، آیا یکی از

آن‌ها تجربه‌های جنگی سخت و دشوار مرا دارد؟ یا در پیکار توانست از من پیشی بگیرد؟ هنوز بیست سال نداشتم، که در میدان نبرد حاضر بودم، هم اکنون که از شصت سال گذشته‌ام. اما دریغ، آن کس که فرمانش را اجرا نکنند، رأیی نخواهد داشت. (۱)

درد دل حضرت در این خطبه اینست که یار مطیع ندارد. الان هم اگر از آقا پرسشی شما از ما چه توقعی دارید؟ خواسته دل شما از من شیعه چیست؟ حضرت خواهند گفت: اطاعت از ولی زمانت. اطاعت پذیری، از چه کسی؟ از ولی زمان.

اگر می‌خواهی بفهمی چقدر مطیع اوامر مولایت هستی، بین چقدر مطیع اوامر نائیش هستی. اکنون، امتحان اطاعت پذیری از امام، امتحان ولی فقیه است. نقل می‌کنند:

شهید محراب آیت الله صدوقی از جبهه برگشته بود، بسیار خسته و مریض حال وارد منزل پسرش در تهران

ص: ۱۹

۱- . نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۷۷.

شد و گفت: تصمیم دارم ۱۵ روز استراحت کنم.

فردای آن روز در جماران خدمت امام قدس سره رسید، امام پرسید: شما کی به یزد برمی گردید؟ ایشان گفت:

امروز، فردا.

در حیاط منزل، فرزندش گفت: پدرجان! شما گفتید ۱۵ روز می مانم! فرمود: بنا داشتم ۱۵ روز بمانم، اما از سؤال امام فهمیدم که می گوید برگرد یزد، لذا از ولی امر اطاعت می کنم. (۱)

رهبر، امسال را سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی نامیدند، بیاید ما حداقل برای ارتقای فرهنگ خودمان و خانواده یک کار حسابی بکنیم. یکی از کارهایی که می توانیم برای ارتقای فرهنگ خود و خانواده مان انجام بدهیم، مطالعه کتاب های مفید است. می توانیم از کتاب سیری در نهج البلاغه شهید مطهری شروع کنیم.

کتاب های شهید مطهری را به اعضای خانواده

ص: ۲۰

۱- . خاطرات حجت الاسلام قرائتی، ج ۲، ص ۵۰.

هدیه بدهیم و با خانواده شروع کنیم به مطالعه این کتب. بنا به گفته حضرت امام، آثار قلم و زبان او بی استثناء آموزنده و روانبخش است. حضرت امام در پیامی که در سالگرد شهادت این شهید بزرگوار دادند، فرمودند: مواعظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان نشأت می گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فرحزاست.

ص: ۲۱

از ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

جلوہ ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت

عین آتش شد از غیرت و بر آدم زد

عقل می خواست کز آن شعلہ چراغ افروزد

برق غیرت بدرخشید و جهان برہم زد

مدعی خواست بیاید بہ تماشا گہ راز

دست غیب آمد و بر سینہ نا محرم زد(۱)

روی آنہ تعالیٰ أوحیٰ إلی داود علیہ السلام: «یا داود، لو یعلم المدبرون عنی کیف انتظاری لہم و رفقی بہم و شوقی

ص: ۲۲

۱- . غزلیات حافظ، غزل شماره ۱۵۲. بہ اہتمام فدایی منش مجید، انتشارات سرور، چاپ چہارم، ۱۳۸۱.

إلى ترك معاصيهم، لماتوا شوقاً إلىّ و تقطعت أوصالهم من محبّتي. يا داود هذه إرادتي في المدبرين، فكيف بالمقبلين إلىّ.»

خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد: اگر بنده هایی که به من پشت کردند یعنی سراغ بنده های من رفتند، دنبال معصیت من رفتند، اگر می دانستند و می فهمیدند که چقدر منتظر آن ها هستم و چقدر دوستشان دارم و به ترک گناهانشان مشتاقم، از شدت شوق جان می دادند، قالب تهی می کردند و بند بندشان از هم می گسست. ای داوود! این ارادت من به کسانی است که به من پشت کردند، پس چطور خواهد بود برخورد من با آنان که به من رو کردند. (۱)

اقناع اندیشه

خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ.» (بقره/ ۱۶۵)

ص: ۲۳

۱- . تفسیر المعین، کاشانی محمد بن مرتضی، ناشر: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قم ۱۴۱۰ ق چاپ اول، ج ۲، ص ۱۰۱.

یعنی عده ای از مردم، غیر من را انتخاب می کنند (مثلاً انسان دیگری از جنس مخالف، یا ماشین، خانه و پول...) و آن را به اندازه ای دوست می دارند که باید من را آنطور دوست داشته باشند. بعد خدا بنده مؤمنش را به رخ می کشد و می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (۱)

یعنی اگر همه شما می خواهید با اسباب بازی هایی که خلق کردم بازی کنید و عاشق عروسکها و ماشین های اسباب بازی باشید، مهم نیست. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (۲)

من احتیاجی به شما ندارم. به قول خودمان دلم به حال شما می سوزد که چی رو با چی عوض کردید! اما بدانید من بنده هایی دارم که واقعاً من خدایشان هستم و به من ایمان دارند و نشانه آن اینست که مرا بیش از همه چیز و همه کس دوست دارند. من عالم را برای اینها خلق

ص: ۲۴

۱- . بقره/۱۶۵.

۲- . فاطر/۱۵.

کردم.

در حدیث قدسی فرمود: «یا بنی آدم خلقت الاشیاء لأجلک و خلقتک لأجلی.» (۱) بنده من! من همه چیز را برای تو خلق کردم و تو را برای خودم. حیف است که صرف اشیاء و مخلوقات من بشوی، تو مال منی!

این را بفهمیم!

به قول آن عارف بزرگ، آیت الله حق شناس رحمه الله علیه:

هشیار باش که خلقت عالم ز بهر توست

غیر از خدا هر آنچه خواهی شکست توست

تحریک احساس

کاش بفهمیم خداوند متعال چقدر ما را دوست دارد و چقدر مشتاق توبه و بازگشت ما به در خانه اش است!

عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ اللَّهُ أَفْرَحُ بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ رَجُلٍ نَزَلَ فِي أَرْضِ دَوْيِّهِ

ص: ۲۵

۱- . الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، انتشارات دهقان - تهران،

چاپ: سوم، ۱۳۸۰ش، ص ۷۱۰.

مُهْلِكِهِ فَفَقَدَ رَاحِلَتَهُ فَطَلَبَهَا حَتَّى اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْحَرُّ وَالْعَطَشُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ أَرْجِعْ إِلَى مَكَانِي الَّذِي كُنْتُ فِيهِ فَأَنَامُ حَتَّى أَمُوتَ
فَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى سَاعِدِهِ لِيَمُوتَ فَاسْتَيْقَظَ فَإِذَا رَاحِلَتُهُ عِنْدَهُ عَلَيْهَا زَادَةٌ وَشَرَابُهُ فَاللَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبِهِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ هَذَا بِرَاحِلَتِهِ
وَزَادٍ.

از ابن مسعود نقل شده است: «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر گاه مردی در بیابان مرگباری فرود آید و
مرکب و زاد راه خویش را گم کند و به دنبال آن ها بگردد تا گرما و تشنگی بر او بی نهایت چیره شود و با خود بگوید: به
مکان خویش باز گردم و در انتظار مرگ باشم؛ سر بر دست نهد و منتظر مرگ باشد، بعد چشم باز کند و ناگاه مرکب و زاد
خود را بیابد، چه اندازه شادمان خواهد شد؟ خداوند از توبه بنده مؤمن خویش بیش از این شادمان می شود.» (۱)

مادری که فرزند گمشده اش را پیدا می کند، چقدر خوشحال می شود؟ تا حالا دیده اید مادر فرزند گم کرده

ص: ۲۶

چه جور گریه می کند؟ وقتی فرزندش را پیدا می کند چطور در آغوش می فشاردش؟ در روایت آمده خدا از برگشتن بنده اش این گونه خشنود می شود و این گونه منتظر اوست. (۱)

قرآن می فرماید: « ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا » (۲) او ما را طلب کرد در حالی که در حال معصیتش بودیم، او امرش را ترک کردیم و نهی های او را بهاء ندادیم ولی او به فضلش از ما ناامید نشد و یک فرصت دیگر داد، فرمود: « يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا

ص: ۲۷

۱- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۶.

۲- توبه/ ۱۱۸: پس خداوند توبه آنان بپذیرفت تا به او باز آیند، که توبه پذیر و مهربان است. عن سلام، عن أبي جعفر عليه السلام في قوله: « ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا، قال: «أقالهم، فوالله ما تابوا». البرهان في تفسير القرآن، ج ۲، ص ۸۶۳. توبه پروردگار به معنی بازگشت او به رحمت و توجه به بندگان است توبه خدا در اینجا به معنی پذیرش عذر بندگان از گناه نیست، بلکه همان رحمت خاص الهی است که در این لحظات سخت به یاری پیامبر صلی الله علیه و آله و همه مؤمنان، بدون استثناء، از مهاجران و انصار آمد، و آن ها را در امر جهاد ثابت قدم ساخت. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (۱) بارها در قرآن فرمود: «تُوبُوا.» توبه برای ما یک مفهوم کلیشه ای شده. اما توبه یعنی: بنده من برگرد؛ من منتظرم، مرا به مخلوقاتم نفروش! با من باشی هرچه خواهی به تو می دهم.

با خدا باش پادشاهی کن بی خدا باش هرچه خواهی کن

خواجہ عبد اللہ انصاری چه زیبا سروده:

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند

فرزند عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

دیوانه تو هر دو جهان را چه کند (۲)

در روایت آمده:

روزی حضرت داوود علیه السلام در حال عبور از بیابان مورچه ای را می بیند که دائما دانه های خاک را از تپه ای

ص: ۲۸

۱- . زمر/۵۳.

۲- . دیوان شمس، رباعی ۴۹۱.

برمی دارد و جای دیگری می ریزد. از خداوند خواست که از راز این کار آگاه بشود. مورچه به سخن درآمد و گفت: معشوقی دارم که شرط ازدواج خودش را آوردن تمام خاک های آن تپه به این محل قرار داده. حضرت فرمود: با این جثه کوچک، تو تا کی می توانی خاک های این تل بزرگ را به محل مورد نظر منتقل کنی؟ آیا عمر تو کفایت خواهد کرد؟ مورچه گفت: اینها را می دانم، ولی خوشم اگر در راه این کار بمیرم به عشق محبوبم مرده ام. در اینجا حضرت داوود علیه السلام منقلب شد و فهمید این جریان درسی برای او بوده است. (۱)

رفتار سازی

فرمود: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا.» (۲)

ص: ۲۹

-
- ۱- . کیمیای محبت، محمدی ری شهری محمد، انتشارات دارالحدیث، چاپ دوم ۱۳۷۸، ص ۶۲.
 - ۲- [۴]. پیامبر صلی الله علیه وآله فرماید: «برای پروردگار شما در دوران عمرتان نسیم های رحمتی است، بهوش باشید و خود را در معرض آنها در آورید». بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

دوستان! شاید در عمرتان دیگر هرگز از این نسیم های رحمت نوزد، اینجا جاییست که باید مثل حر سرنوشت دنیا و آخرت را رقم بزنی. یادت باشد جهنمیان در جهنم می گویند: «لَوْ كُنَّا نَسِيْمَ مَعْ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ.» (۱) خود دانی! ... هر که دارد هوس کرب و بلا- بسم الله! هر که دارد هوس کوی خدا بسم الله! هر کس می خواهد در این اعتکاف حسابش را با خدا صاف کند بسم الله! امام خمینی رحمه الله علیه در کتاب شرح چهل حدیث می فرماید: اگر کسی بخواهد از

هر گناهی پاک بشود باید ارکان و شرایط توبه را به جا آورد که در این صورت قطعا بخشیده خواهد شد، ولو سنگین ترین گناهان را مرتکب شده باشد.

حضرت امام رحمه الله علیه می نویسند:

ص: ۳۰

۱- [۵]. [ملک/۱۰]: و می گویند: اگر ما می شنیدیم یا تعقل می کردیم، اهل این آتش سوزنده نمی بودیم.

"بدان که از برای توبه کامله ارکان و شرایطی است که تا آن ها محقق نشود، توبه صحیحه حاصل نشود. و ما به ذکر عمده آن ها که لازم است می پردازیم. یکی از آن ها، که رکن رکین اوست، ندامت و پشیمانی است از گناهان و تقصیرات گذشته، و دیگر، عزم بر برگشت نمودن بر آن است همیشه. و این دو در حقیقت محقق اصل حقیقت توبه و به منزله مقومات ذاتیه آن است و از برای آن شرایط قبول و شرایط کمالی است، که آنها را به ترتیب مذکور می داریم. عمده شرایط دو امر است، چنانچه عمده شرایط کمال نیز دو امر است. و ما در این باب می پردازیم به ذکر کلام شریف حضرت مولی الموالی، زیرا که آن در حقیقت از جوامع کلم و کلام ملوک و ملوک کلام است.

روی فی نهج البلاغه أنّ قائلًا قال بحضرته، علیه السّلام: أستغفر الله. فقال له: ثكلتك امّك! أ تدری ما الإستغفار؟ إنّ الإستغفار درجه العلیین، و هو اسم واقع علی سته معان: أولها التّدم علی ما مضى. و الثّانی العزم علی ترك العود إليه أبدا. و الثّالث أن تؤدّى إلى المخلوقین حقوقهم حتّى

تلقى الله سبحانه املس ليس عليك تبعه. و الزّابع أن تعمد إلى كلّ فريضة عليك ضيّعتها فتؤدّي حقّها. و الخامس أن تعمد إلى اللحم المذی نبت على السّیحت، فتذیهه بالأحزان حتّى تلصق الجلد بالعظم و ينشأ بينهما لحم جدید. و السّادس أن تذیق الجسم ألم الطّاعه كما أذقته حلاوه المعصیه. (۱)

«همانا گوینده ای در محضر حضرت امیر، علیه السلام، گفت: استغفر الله.» پس فرمود به او: «مادرت در عزایت گریه کناد، آیا می دانی چیست استغفار؟ همانا استغفار درجه علیین است. و آن اسمی است که واقع می شود بر شش معنی. اول آن ها پشیمانی بر گذشته است. دوم، عزم بر برگشت نمودن است به سوی آن همیشگی. سوم، ادا کنی به سوی مخلوق حق آن ها را تا ملاقات کنی خدای سبحان را پاکیزه که نبوده باشد بر تو دنباله ای. (یعنی حقی از کسی به عهده تو نباشد.) چهارم، آنکه روی آوری به سوی هر فریضه که بر تو است که ضایع

ص: ۳۲

کردی آن را، پس ادا کنی حق آن را. پنجم، روی آوری به سوی گوشتی که روییده شده است بر حرام، پس آب کنی آن را به اندوه ها تا بچسبد گوشت به استخوان و روییده شود بین آنها گوشت تازه. ششم، آنکه بچشانی جسم را درد فرمانبرداری، چنانچه چشاندی آن را شیرینی نافرمانی.» این حدیث شریف مشتمل است اولاً بر دو رکن توبه که «پشیمانی» و «عزم بر عدم عود» است. و پس از آن، بر دو شرط مهم قبول آن که «ردّ حقوق مخلوق» و «ردّ حقوق خالق» است. انسان به مجرد آنکه گفت توبه کردم، از او پذیرفته نمی شود. (۱)

ص: ۳۳

۱- [۱]. چهل حدیث (اربعین حدیث)، امام خمینی، ص ۲۷۵.

در روایت آمده جمعی در محضر پیامبر صلی الله علیه وآله مسلمانی را مدح و ستایش کردند و تمام خوبی ها و خصال نیک را برای او شمردند:

«أَتْنِي قَوْمٌ بِحَضْرَتِهِ عَلَيَّ رَجُلٍ حَتَّى ذَكَرُوا جَمِيعَ خِصَالِ الْخَيْرِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَيْفَ عَقَلَ الرَّجُلُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نُخْبِرُكَ عَنْهُ بِاجْتِهَادِهِ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَصِيْنَا الْخَيْرَ تَسَاءَلْنَا (۱) عَنْ عَقْلِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْأَحْمَقَ يُصِيبُ بِحُمَقِهِ أَكْثَرَ مِنْ فُجُورِ الْفَاجِرِ وَ إِنَّمَا يَزْتَفِعُ الْعِبَادُ غَدًّا فِي الدَّرَجَاتِ وَ يَنَالُونَ الرُّفَى مِنْ رَبِّهِمْ عَلَيَّ قَدْرَ عُقُولِهِمْ» (۲)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «کیف عقل الرجل؟!» عقل او

ص: ۳۴

۱- فی بعض نسخ المصدر «تسألته».

۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص ۱۵۸.

چگونه است؟ گفتند: ای رسول خدا ما از تلاش و کوشش او در عبادت و انواع کارهای خیر می‌گوییم و شما از عقلش سؤال می‌کنید؟ فرمود: «ان الاحمق یصیب بحمقه اعظم من فجور الفاجر وانما یرتفع العباد غدا فی الدرجات و ینالون الزلفی من ربهم علی قدر عقولهم.» مصیبتی که از ناحیه حماقت احمق حاصل می‌شود، بدتر از فجور فاجران و گناه بدکاران است. خداوند فردای قیامت مقام بندگان را به مقدار عقل و خرد آن‌ها بالا می‌برد و بنده بر این اساس به قرب الهی نائل می‌گردد.

در روایت زیبای دیگری در اهمیت عقل از امیر مؤمنان می‌خوانیم:

«جبرئیل نزد آدم آمد و گفت:

خداوند فرمود که بین سه چیز، عقل و حیا و دین، یکی را انتخاب کن! آدم فرمود: عقل را اختیار کردم. جبرئیل خطاب به حیا و دین کرد و گفت: از آدم دور شوید! آنها گفتند: ای جبرئیل! ما مأمور شده ایم که با

ص: ۳۵

عقل باشیم. هر جا که عقل باشد ما هم هستیم.» (۱)

اقناع اندیشه

در برخی روایات یک ساعت تفکر معادل هفتاد سال عبادت به شمار آمده که فلسفه آن سرنوشت ساز بودن تفکر است. چه بسا یک ساعت فکر کردن که سرنوشت انسانی را تغییر داده و چه بسا عبادت های چندین ساله که با یک غفلت به باد فنا رفته است. اسلام بر خلاف مسیحیت که ایمان را در کنار گذاشتن عقل معرفی می کند، کاملاً طرفدار تعقل و تفکر است. شاهد این نکته آنست که خداوند متعال در بیش از سیصد آیه از آیات قرآن، انسان ها را به علم، تدبر، تفکر و تعقل دعوت نموده است و این نشانه اهمیت تفکر در قرآن است. حضرت ختمی مرتبت فرمودند:

«إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ.» (۲)

ص: ۳۶

۱- [۳]. وسایل الشیعه، چاپ جدید، ج ۱۱، ص ۶۰.

۲- . تحف العقول، النص، ص ۵۴.

همه خیر فقط با عقل درک می شود و دین ندارد کسی که عقل ندارد.

اگر کسی به شما مشتی بادام یا گردو بدهد و بگوید: بفرما بخور! و شما ببینید که فقط پوست بادام است. چه خواهید گفت؟ نمی گویند: پس مغزش کو؟ اگر بگوید: گردو به این گرانی! بفرمایید میل کنید! شما پاسخ می دهید: پوستش را بخورم؟ اصل گردو مغزش است!

اگر تمام جسم انسان را در نظر بگیریم، همین طور است! مغز ما عقل و تفکر ماست که انسان بدون آن پوچ است و ملائک انسانیت را ندارد.

پرورش احساس

اشاره

اگر عزیزی از بین شما معتکفین پرسد: از منظر قرآن، روی چه چیزهایی تفکر کنیم که بیشتر مورد رضایت خدای متعال باشد، عرض می کنم: در قرآن به تفکر در موضوعات متعددی سفارش شده است. به چهار مورد آن اشاره می کنم:

۱. جهان‌شناسی:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

ص: ۳۷

النَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنا سَجِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.» (آل عمران/ آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴)

نوف بکالی، که از یاران خاص علی علیه السلام بود، می گوید: شبی در خدمتش بودم، هنوز چشم مرا خواب فرا نگرفته بود، دیدم امام برخاست، و شروع به خواندن این آیات کرده، سپس مرا صدا زد و گفت: ای نوف! خوابی، یا بیدار؟

عرض کردم: بیدارم و صحنه آسمان را تماشا می کنم. فرمود: خوشا آنان که آلودگی های زمین را

نپذیرفتند و به این راه آسمان، پیش رفتند (از چهار دیوار عالم ماده بیرون پریدند و روح بلند آن ها ملکوت آسمان ها را سیر می کند).

در روایات اهل بیت نیز دستور داده شده که هر کس برای نماز شب برمی خیزد این آیات را تلاوت کند. (۱)

۲. تفکر و تدبیر در مرگ:

«اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَدَّدٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.» (زمر / ۴۲)

خداوند ارواح را به هنگام "مرگ" قبض می کند، و ارواحی را که نمرده اند نیز به هنگام "خواب" می گیرد، سپس ارواح کسانی را که فرمان مرگ آنها را صادر کرده نگه می دارد، و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) باز می گرداند تا سرآمد معینی، در این امر نشانه های روشنی است برای کسانی که تفکر می کنند.

ص: ۳۹

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ضمن توصیه‌هایشان به ابوذر غفاری فرمودند: «ای ابوذر هر گاه جنازه‌ای را همراهی کردی پس عملت در آن حال، تفکر باشد و فروتنی و بدان که تو نیز روزی به او ملحق خواهی شد.»^(۱)

ایشان با فضیلت‌ترین اندیشه‌ها را اندیشه مرگ عنوان کرده، فرمودند: «افضل التفکر ذکر الموت.»^(۲)

۳. عبرت‌آموزی:

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ.» (یوسف / ۱۰۹)

آیا (مخالفان دعوت تو) سیر در زمین نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟

نقل شده در جنگ احد عمرو بن عبدالله مکنی

ص: ۴۰

۱- اعلام الدین، ص ۱۹۶ و مجموعه ورام، ج ۲، ص ۵۹ و مکارم الاخلاق، ص ۴۶۵.

۲- شعیری، تاج الدین؛ جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۵ و مستدرک الوسيله، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۴.

به ابوعزه شاعر به اسارت مسلمانان در آمد. او پیش از این یک بار در جنگ بدر نیز به اسارت مسلمانان در آمده بود؛ اما با عجز و لابه توانست محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله را نسبت به خود برانگیخته، آزاد شود. ابوعزه گفت: «ای محمد! [بار دیگر] بر من منت بگذار و آزادم کن.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا یلدغ المؤمن من حجر مرتین؛ مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود تو دیگر به مکه بر نخواهی گشت که به گونه هایت دست بکشی و بگویی دو بار محمد صلی الله علیه و آله را مسخره کردم.» آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به عاصم بن ثابت دستور فرمود تا گردنش را بزند. (۱)

۴. تفکر و تدبیر در قرآن :

«افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها.» (محمد / ۲۴)

تدبیر کردن یعنی غواصی و کشف معارف قرآنی در

ص: ۴۱

۱- . بلاذری، احمد بن یحیی؛ انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۳۵ و ابن هشام؛ السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۴.

این دریای بیکران. هر کس می تواند به مقدار تدبری که می کند از مرجان ها و مرواریدهای آن صید کند و بهره ببرد. متأسفانه ما به قرآن در حد کنار دریا ایستادن و به آن نگاه کردن توجه داریم. ما به کلام خدا اعتقاد داریم، ولی اعتماد نداریم.

رفتار سازی

امام خمینی رحمه الله علیه در کتاب شریف چهل حدیث درباره جایگاه تفکر در خودسازی و تهذیب می فرمایند:

بدان که اول شرط مجاهده با نفس و حرکت به جانب حق تعالی «تفکر» است. و بعضی از علمای اخلاق آن را در بدایات در مرتبه پنجم قرار داده اند و آن نیز در مقام خود صحیح است.

و تفکر در این مقام عبارت است از آن که انسان لااقل در هر شب و روزی مقداری- و لو کم هم باشد- فکر کند در اینکه آیا مولای او که او را در این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی را از برای او فراهم کرده، و بدن سالم و قوای صحیحه، که هر یک

ص: ۴۲

دارای منافعی است که عقل هر کس را حیران می کند، به او عنایت کرده، و این همه بسط بساط نعمت و رحمت کرده، و از طرفی هم این همه انبیا فرستاده، و کتاب ها نازل کرده و راهنمایی ها نموده و دعوت ها کرده، آیا وظیفه ما با این مولای مالک الملوک چیست؟ آیا تمام این بساط فقط برای همین حیات حیوانی و اداره کردن شهوت است که با تمام حیوانات شریک هستیم، یا مقصود دیگری در کار است؟ آیا انبیا کرام و اولیاء معظم و حکمای بزرگ و علمای هر ملت که مردم را دعوت به قانون عقل و شرع می کردند و آن ها را از شهوات حیوانی و از این دنیای فانی پرهیز می دادند با آن ها دشمنی داشتند و دارند، یا راه صلاح ما بیچاره های فرو رفته در شهوات را مثل ما نمی دانستند؟ اگر انسان عاقل لحظه ای فکر کند می فهمد که مقصود از این بساط چیز دیگر است، و منظور از این خلقت، عالم بالا و بزرگتری است، و این حیات حیوانی مقصود بالذات نیست. و انسان عاقل باید در فکر خودش باشد، و به حال بیچارگی خودش رحم کند و با خود خطاب

کند: ای نفس شقی که سالهای دراز در پی شهوات عمر خود را صرف کردی و چیزی جز حسرت نصیبت نشد، خوب است قدری به حال خود رحم کنی و در هر حال از خدای خود با عجز و زاری تمنا کن که تو را آشنا کند به وظایف خودت که باید منظور شود ما بین تو و او. و امید است این تفکر که به قصد مجاهده با شیطان و نفس اماره است، راه دیگری برای تو بنمایاند و موفق شود به منزل دیگر از مجاهده. (۱)

بنابراین یکی از عوامل اصلاح و تربیت نفس عادت دادن خود است به تفکر، درست مثل محاسبه نفس. در هر شبانه روز، ولو چند دقیقه، به خود مجال بده و خلوت کن. در باره کارهایی که کرده و کارهایی که باید انجام بدهی فکر کن. البته چه جایی بهتر از مسجد و چه جایی بهتر از ایام اعتکاف و روزه داری که بنده به منبع فیض و حکمت الهی نزدیک است و مولا حتما به عبد معتکف خودش توجه ویژه دارد. این سیره و عادت

ص: ۴۴

۱- . چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۷.

علمای بزرگ بوده است و حتی شهدا و رزمندگان خلوت‌های طولانی و اسرارآمیزی با معشوق ازلی داشته‌اند. ان شاء الله شما عزیزان هم فرصت اعتکاف را تجربه‌ای از خلوت و تفکر قرار بدهید و لذت آن را بچشید.

ص: ۴۵

در تفسیر "مجمع البیان" از "معاذ بن جبل" چنین نقل شده:

در غزوه "تبوک" در خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله بودم. گرما همه را سخت ناراحت کرده بود و هر کس به گوشه ای پناه می برد. ناگهان دیدم که پیامبر صلی الله علیه وآله از همه به من نزدیکتر است، خدمتش رفتم و عرض کردم: ای رسول خدا! عملی به من بیاموز که مرا وارد بهشت کند، و از آتش دوزخ دور سازد.

فرمود: سؤال بزرگی کردی، اما پاسخ آن برای کسی که خدا بر او آسان کرده است، مشکل نیست. سپس افزود:

«تعبد الله و لا تشرک به شیئا و تقیم الصلاه المكتوبه و تؤدی الزکاه المفروضه و تصوم شهر رمضان.»

خدا را پرستش کن و چیزی را شریک او قرار نده. نمازهای واجب را انجام ده و زکات واجب - حق مستمندان - را اداء کن و ماه رمضان را روزه بگیر.

بعد فرمود: و اگر بخواهی از ابواب خیرات به تو خبر می دهم. عرض کردم: ای پیامبر بفرمائید! فرمود:

«الصوم جنه من النار و الصدقه تكفر الخطيئه و قيام الرجل في جوف الليل يتغى وجه الله ثم قرأ هذه الايه تتجافى جنوبهم عن المضاجع» (۱)

روزه سپری است در برابر آتش و انفاق در راه خدا کفاره گناهان است، و قیام انسان در دل شب کسب خشنودی خداست. سپس آیه "تتجافی جنوبهم" را قرائت فرمود:

اقناع اندیشه

«تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفاً و طمعاً و مما رزقناهم ينفقون فلا تعلم نفس ما أخفى لهم

ص: ۴۷

۱- ترجمه مجمع البيان فى تفسير القرآن، ج ۱۹، ص ۲۲۵.

مِنْ قُرْءِهِ أُغْفِرُ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.» (سجده / آیات ۱۵ تا ۱۷)

تنها کسانی به آیات ما ایمان می آورند که هر وقت این آیات به آنها یاد آوری شود به سجده می افتند، و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجای می آورند و تکبر نمی کنند.

پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می شود (به پا می خیزند و رو به درگاه خدا می آورند)، پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند، و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند.

هیچ کس نمی داند چه پاداش های مهمی که مایه روشنی چشم ها می گردد برای آن ها نهفته شده، این جزای اعمالی است که انجام می دادند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

« مَا مِنْ عَمَلٍ حَسَنٍ يَعْمَلُهُ الْعَبْدُ إِلَّا وَ لَهُ ثَوَابٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا صِلَاهُ اللَّيْلِ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يُبَيِّنْ ثَوَابَهَا لِعَظَمِ خَطَرِهَا عِنْدَهُ - فَقَالَ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ - يَدْعُونَ رَبَّهُمْ

ص: ۴۸

خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ - إِلَى قَوْلِهِ يَعْمَلُونَ» (۱)

هیچ عمل نیکی نیست، مگر اینکه ثواب روشنی در قرآن برای آن بیان شده، مگر نماز شب که خداوند بزرگ ثواب آن را روشن نساخته به خاطر اهمیت آن، لذا فرموده است:

هیچکس نمی داند چه ثواب هایی که مایه روشنایی چشمان است، برای آن ها نهفته شده است. (۲)

همه ما دنبال رفع مشکلاتمان هستیم و برای بسیاری از مسائل که خودمان توانایی حل کردنش را نداریم، دست به دعا و توسل بر می داریم. این خیلی مطلوب است، اما خوب است به این حدیث شریف نیز دقت کنیم: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای مردم! هیچ کس از شما نیست، مگر اینکه مشکلات همچون کمربندی او را محاصره کرده است، پس زمانی که دو سوم از شب گذشت (و یک سوم آن

ص: ۴۹

۱- . تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۶۹.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۵۰.

باقی مانند) ملکی بر او وارد می شود و به او می گوید: برخیز! و ذکر خداوند بگویی که صبح نزدیک است. اگر او حرکت کرد و ذکر خداوند گفت، یک گره از گرفتاری هایش گشوده خواهد شد و اگر او برخاست و وضو گرفت و به نماز ایستاد، تمامی گره های گرفتاری از او گشوده می شود و صبحگاهان، شادمان و با روشنی چشم از خواب بر می خیزد.»(۱)

در روایت دیگری، ایشان به نقل از حضرت باری تعالی فرموده اند:

«إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَىٰ إِلَى الدُّنْيَا أَنْ أُنْعِبِي مَنْ خَدَمَكَ وَ أَخْدُمِي مَنْ رَفَضَكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّئِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ وَ نَاجَاهُ أَثْبَتَ اللَّهُ النُّورَ فِي قَلْبِهِ فَإِذَا قَالَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ نَادَاهُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ لِيَبْكَكَ عَبْدِي سَلِّمْ لِي أُعْطِكَ وَ تَوَكَّلْ عَلَيَّ أَكْفِكَ ثُمَّ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَيَّ عَبْدِي فَقَدْ تَخَلَّى

ص: ۵۰

بِي فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَالْبَاطِلُونَ لَاهُونَ وَالْغَافِلُونَ نِيَامٌ اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ.» (۱)

«به راستی خدای جل جلاله به دنیا خطاب کرد: خادم خود را به رنج افکن و تارک خود را خدمت کن و چون بنده در نیمه شب تار با آقای خود خلوت کند و راز گوید، خدا نور را در دلش برجا دارد. چون گوید یا رب یا رب، جلیل جل جلاله او را ندا کند: لبيك عبد من! بخواه تا به تو بدهم، بر من توکل کن تا تو را کفایت کنم. سپس خدای جل جلاله به ملائکه خود فرماید: ای ملائکه! ببینید بنده مرا که در دل شب تار با من خلوت کرده و بیهودگان در بازی و غفلتند و به خواب اندرند. گواه باشید که من او را آمرزیدم.» (۲)

تحریک احساس

اشاره

مرحوم سعدی گوید: یک شب از آغاز تا انجام همراه کاروانی حرکت می کردم. سحرگاه کنار جنگلی

ص: ۵۱

۱- . الأمالی (للصدوق)، النص، ص ۲۷۹.

۲- . الأمالی (للصدوق)، ترجمه کمره ای، متن، ص ۲۷۹.

رسیدیم و در آنجا خوابیدیم. شوریده دلی همراه ما بود. نعره از دل برکشید و سر به بیابان زد و یک نفس به راز و نیاز پرداخت. هنگامی که روز شد، به او گفتم: این چه حالتی بود که دیشب پیدا کردی؟

در پاسخ گفت: بلبلان را بر روی درخت و کبک ها را بر روی کوه، قورباغه ها را در میان آب و حیوانات مختلف را در میان جنگل دیدم؛ همه می نالیدند. فکر کردم از جوانمردی به دور است که همه در تسییح باشند و من در خواب غفلت. (۱)

به همین جهت بزرگان دین همگی اهل مواظبت از سحر و نماز شب بوده اند. برای رعایت اختصار کلام، به سه نمونه از ایشان اشاره می کنیم:

۱- حاج میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله علیه

یکی از دوستان و نزدیکان مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، می گوید:

مرحوم ملکی شب ها که برای تهجد و نماز شب به پا

ص: ۵۲

می خاست، ابتدا در بسترش مدتی صدا به گریه بلند می کرد، سپس بیرون می آمد و به آسمان نگاه می کرد و آیات «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» را می خواند و سر به دیوار می گذاشت و مدتی گریه می کرد. پس از تطهیر و پیش از وضو نیز مدتی کنار حوض می نشست و می گریست. خلاصه از هنگام بیدار شدن، تا آمدن به محل نماز و خواندن نماز شب، چند جا می نشست و برمی خاست و گریه سر می داد و چون به مصلايش می رسید، دیگر حالش قابل وصف نبود.

۲- علامه مجلسی اول رحمه الله علیه

آقا احمد، نواده وحید بهبهانی در کتاب مرآت الاحوال می نویسد: از بعضی ثقات شنیدم که آخوند ملا محمد تقی نقل کرده که در شبی از شب ها، بعد از نماز و تهجد و گریه و زاری به درگاه قادر متعال، خود را به حالتی دیدم که دانستم هرچه از درگاه احادیث مسئلت کنم، البته به اجابت مقرون و عنایت خواهد شد و فکر می کردم که چه از خدا بخواهم؟ امر دنیوی یا اخروی؟ که ناگاه صدای گریه محمدباقر (مجلسی دوم) از

گهواره بلند شد، من گفتم: الهی به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله این طفل را مروج دین و ناشر احکام سیدالمرسلین گردان و موفق کن او را به توفیقات بی نهایت خود.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند (۱)

۳- امام خمینی رحمه الله علیه

یکی از نزدیکان امام می گوید: پنجاه سال است که نماز شب امام خمینی رحمه الله علیه ترک نشده، امام در بیماری، در صحت، در زندان، در خلاصی، در تبعید، حتی بر روی تخت بیمارستان قلب هم، نماز شب می خواندند. امام در قم بیمار شدند و به دستور اطباء می بایست به تهران منتقل شوند، هوا بسیار سرد بود و برف می بارید و یخبندان عجیبی در جاده ها وجود داشت، امام چندین ساعت در

ص: ۵۴

آمبولانس بودند و پس از انتقال به بیمارستان قلب، باز نماز شب خواندند. اگر شما امام را از نزدیک دیده باشید، آثار اشک بر گونه های مبارک امام، حکایت از شب زنده داری و گریه های نیمه شب وی دارد. (۱)

و نیز از قول فرزند امام خمینی رحمه الله علیه آمده است:

«شبی که از پاریس عازم ایران بودیم، امام در هواپیما برای نماز شب برخاستند و چنان می گریستند که خدمه هواپیما، تعجب کرده بودند. از من پرسیدند: آیا امام از چیزی ناراحت هستند؟ من گفتم که کار هر شب امام است.» (۲)

رفتار سازی

موانع سحر خیزی

اشاره

بطور کلی مهمترین علل عدم توفیق به نماز شب در دو عامل خلاصه شده است:

ص: ۵۵

۱- . فراهایی از ابعاد روحی و اخلاقی و عرفانی امام خمینی، ص ۷۵.

۲- . سیمای فرزندگان، ص ۲۳۰.

۱- عوامل جسمی:

خستگی زیاد مغز و اعصاب و وضعیت مزاجی، خواب را سنگین و طولانی می کند. پرخوری در شب هم علتی دیگر برای خواب ماندن است. حضرت عیسی علیه السلام به امتش فرمود:

«ای بنی اسرائیل! خوردن خود را زیاد نکنید، چرا که هر کس بر خوردن خود بیفزاید، خوابش هم زیاد می شود. هر کس خوابش زیاد گردد، از نماز کم می گزارد و در نتیجه در زمره غافلان نوشته می شود.»^(۱)

۲- عوامل روحی (گناهان):

«أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي لَا أَقْوَى عَلَى الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ فَقَالَ لَا تَعْصِ اللَّهَ بِالنَّهَارِ وَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي قَدْ حُرِمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ.»^(۲)

مردی به محضر علی علیه السلام آمد و عرض کرد: نمی

ص: ۵۶

۱- . عباد الرحمن، محمد جلیپور، چاپ ۹۱، ص ۵۹.

۲- . التوحید (للسدوق)، ص ۹۷.

توانم نماز شب بخوانم. حضرت فرمود: در هنگام روز گناه نکن. مرد دیگری نزد امیر المؤمنین آمد و عرض کرد: از نماز شب محروم شده‌ام. حضرت فرمود: گناهانت تو را زمینگیر کرده است.

در روایت دیگری آمده است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَ فَيُحْرَمُ بِهَا رِزْقَهُ قُلْتُ وَ كَيْفَ يُحْرَمُ رِزْقُهُ فَقَالَ يُحْرَمُ بِهَا صِيَامَ اللَّيْلِ فَإِذَا حُرِمَ صَلَاةَ اللَّيْلِ حُرِمَ الرِّزْقَ.» (۱)

نکته:

بزرگان فن اخلاق در این موارد صد بار استغفار قبل از خواب را سفارش می کنند.

اگر کسی با وجود رعایت موارد فوق نگران است توفیق و فضیلت نماز شب را از دست بدهد، خوب است به روایت زیر توجه کند و هر شب با نیت بیداری سحر بخوابد که در این صورت اگر بیدار نشود هم از فضل الهی برخوردار خواهد بود، ان شاء الله.

«عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي

ص: ۵۷

سَمِعْتُكَ تَقُولُ نَبِيُّ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ فَكَيْفَ تَكُونُ النَّبِيُّ خَيْرًا مِنْ الْعَمَلِ قَالَ لِأَنَّ الْعَمَلَ رَبِّمَا كَانَ رِيَاءً لِلْمَخْلُوقِينَ وَ النَّبِيُّ خَالِصَهُ
لِرَبِّ الْعَالَمِينَ فَيُعْطَى تَعَالَى عَلَى النَّبِيِّ مَا لَمْ يُعْطَى عَلَى الْعَمَلِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَنْوِي مِنْ نَهَارِهِ أَنْ يُصَلِّيَ
بِاللَّيْلِ فَتَغْلِبُهُ عَيْنُهُ فَيَنَامُ فَيُنْبِتُ اللَّهُ لَهُ صَلَاتَهُ وَ يَكْتُبُ نَفْسَهُ تَسْبِيحًا وَ يَجْعَلُ نَوْمَهُ عَلَيْهِ صَدَقَةً. (١)

ص: ٥٨

١- . علل الشرائع، ج ٢، ص ٥٢٤.

یحیای مازنی، از همسایگان امیرالمؤمنین علیه السلام، نقل می کند:

«كنت في جوار أمير المؤمنين عليه السلام في المدينة مدّة مديده، و بالقرب من البيت الذي تسكنه زينب ابنته، فلا- و الله- ما رأيت لها شخصا، و لا سمعت لها صوتا.»

مدت طولانی در مدینه همسایه امیر المؤمنین بودم والله حتی یک بار نه خانم زینب سلام الله علیها را دیدم و نه حتی صدای ایشان را شنیدم. سپس می گوید:

«و كانت إذا أرادت الخروج لزياره جدّها رسول الله صلى الله عليه وآله تخرج ليلا، و الحسن عن يمينها، و الحسين عن شمالها، و أمير المؤمنين أمامها، فإذا قربت من القبر الشريف سبقها أمير المؤمنين عليه السلام فأحمد ضوء القناديل،

فسأله الحسن مَرّه عن ذلك؟

فقال: أحشى أن ينظر أحد إلى شخص اختك زينب.»^(۱)

زینبی سلام الله علیها با این حیا و عفت که برای اینکه کسی قامتشان را نبیند شبانه به زیارت جدشان می رفتند و امام حسن و امام حسین و امیر المومنین علیهم السلام اطرافشان را می گرفتند، در کوفه چنان خطبه ای خواندند که کل شهر کوفه گریان شد. بشیر بن خزیم اسدی نقل می کند: آن روز زینب دختر علی توجه مرا بخود جلب کرد، بخدا قسم! زنی را که سرا پا شرم و حیا باشد از او سخنران تر ندیده ام! گوئی سخن گفتن را از زبان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب فرا گرفته بود، همین که همراه با اشاره دست به مردم گفت: ساکت شوید، نفس ها در سینه ها حبس شد

ص: ۶۰

۱- . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد)، ج ۱۱، قسم ۲، فاطمهس، ص ۹۵۶.

و زنگ ها که به گردن مرکب ها بود، از حرکت ایستاد. سپس به خطبه خواندن پرداخت. (۱)

یا در شام وقتی مردک شامی برخاست و به یزید گفت: یا امیرالمؤمنین! این دوشیزه را به من ببخش! فاطمه در حالتی که از وحشت می لرزید، دامن عمه اش زینب را گرفت. زینب سلام الله علیها او را در آغوش گرفت و فرمود: «گمان دروغ بردی و فرومایگی کردی! نه تو چنین حقی داری و نه یزید! یزید خشمگین گشت و سخنانی بین او و زینب سلام الله علیها رد و بدل شد، تا آنکه زینب سلام الله علیها فرمود: اکنون که سرتاسر زمین و آسمان را بر ما تنگ گرفته ای و ما را مانند اسیران به هر سو می کشانی به گمانت که پیش خدا برای ما پستی و برای تو شرف و منزلت است؟ بعد حضرت در مقابل یزید خطبه ای خواند که پایه های حکومت یزید را به لرزه درآورد: أَمِنَ الْعَيْدِلِ يَا ابْنَ الْطُلُقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرُكَ وَإِمَاءُكَ وَ سَوْقُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبَّيَا قَدْ هَتَكْتَ

ص: ۶۱

۱- آهی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه لهوف، ص ۱۴۷.

سُتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتَ وُجُوهُهُنَّ تَحْدُو بِيَهُنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَ الْمَنَاقِلِ وَ يَتَصَفَّحْنَ وُجُوهُهُنَّ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ وَ الدَّنِيئُ وَ الشَّرِيفُ لَيْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وَلِيٌّ وَ لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِيٌّ.

ای پسر کسانی که جدمان (پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه) اسیرشان کرد و سپس آن ها را آزاد نمود، آیا از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده بنشانی و دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی، پرده آنان را بدری و روی آنان را بگشایی تا دشمنان آنان را از شهری به شهری ببرند و بومی و غریب به آن ها چشم دوزند و نزدیک و دور، شریف و پست، چهره آن ها را بنگرند، [در حالی که] از مردان آن ها نه پرستاری مانده است و نه یآوری و نه نگهدار و کمک کننده ای؟ (۱)

ص: ۶۲

۱- . غننامه کربلا، ترجمه لهوف، ص ۲۰۰.

شاید در نگاه اول این سؤال پیش بیاید: چه اتفاقی می افتد که خانمی با این همه حیا و عفت، در برابر مردان خطبه می خواند و به کلمات سخیفشان پاسخ می دهد؟

وقتی با دقت نگاه کنیم، می بینیم ویژگی بارزی در حضرت زینب سلام الله علیها بود که ایجاب می کرد در هر زمانی کار مخصوص آن زمان را انجام دهند؛ زمان شناسی. یکی از خصوصیات برجسته عقیده بنی هاشم زمان شناسی ایشان است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«فِي حِكْمِهِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلْسَانَةِ»^(۱)

برای شخص عاقل و خردمند لازم است که نسبت به زمان خود شناخت داشته و مشغول به خود و کار خود و نگهدارنده زبان خود باشد.

در کتاب مرآت العقول در شرح این روایت آمده

ص: ۶۳

۱- . کافی، ج ۲، ص ۱۱۶.

است که: یکی از حکمت‌هایی که در زبور داوود بیان شده، این است که بر عاقل لازم است اهل زمانش را بشناسد تا بتواند بین دوست و دشمن واقعی‌اش، گمراه‌کننده و هدایت‌کننده، بین کسی که باید او را متابعت کند یا از او مفارقت کند، فرق بگذارد. در نتیجه از ایشان در دین و دنیایش فریب نخورد و بتواند موضع تقیه، زندگی، گوشه‌گیری، حبّ و بغض را تشخیص دهد. (۱)

امیر المومنین علیه السلام درباره زمان شناسی می‌فرماید: «لا بدّ للعاقل من ثلاث: ان ينظر في شأنه، و يحفظ لسانه، و يعرف زمانه.» (۲)

عاقل را سه چیز است: این که در کار خود نظر کند،

ص: ۶۴

۱- . مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، ج ۸، ص ۲۲۵. "فی حکم آل داود" ای الزبور أو الأعم منه و مما صدر عنه علیه السلام أو عنهم من الحكم "على العاقل" ای يجب أو يلزم عليه "أن يكون عارفا بزمانه" ای بأهل زمانه ليميز بين صديقه و عدوه الواقعيين و بين من يضلّه و من يهديه، و بين من تجب متابعته و من تجب مفارقته و مجانته، فلا يخذع منهم في دينه و دنياه، و يعلم موضع التقية و العشره و العزله و الحب و البغض.

۲- . تحف العقول، ص ۱۴۴ و مستدرک نهج البلاغه، ص ۱۵۹.

و زبان خود نگاه دارد، و روزگار خود بشناسد.

یکی از نتایج زمان شناسی، حفظ فرد از فتنه ها و اشتباهات بزرگ است. امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند:

«يَا مُفَضَّلُ، لَا يُفْلِحُ مَنْ لَا يَعْقِلُ، وَلَا يَعْقِلُ مَنْ لَا يَعْلَمُ، ... وَ الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ.» (۱)

انسانی که زمان شناس نباشد، خیلی به ضرر خود و جامعه عمل می کند.

تحریک احساس

از جمله کسانی که عالم بود ولی زمان شناس نبود، عبدالله پسر حنظله غسیل الملائکه است. او در مدینه مرد قابل احترامی بود. محل رجوع مردم بود. وقتی که امام حسین علیه السلام برای قیام از مدینه خارج شد، او از کسانی بود که بی تفاوت رفتار کرد. همین شخص، یک سال بعد از شهادت امام، بیدار شد و با عده ای از بزرگان مدینه به شام رفت. یزید مهمانی مفصلی گرفت و شروع به

ص: ۶۵

میگساری کرد و برای احترام به میهمانانش ۱۰۰۰۰۰۰ دینار به عبدالله داد و گفت: این مبلغ را خرج مدینه کن. تازه فهمیدند امام چه می گفته. وقتی از شام برگشتند، عبدالله به مردم مدینه گفت: «وَاللَّهِ مَا خَرَجْنَا عَلَى يَزِيدَ حَتَّى خِفْنَا أَنْ نُزْمَى بِالْحِجَارَةِ مِنَ السَّمَاءِ! إِنَّهُ رَجُلٌ يَنْكِحُ الْأُمَّهَاتِ، وَ الْبَنَاتِ وَالْأَخَوَاتِ وَ يَشْرِبُ الْخَمْرَ وَ يَدْعُ الصَّلَاةَ؛ ما در حالی از نزد یزید بیرون آمدیم که خوف آن داشتیم که (بر اثر گناهان فراوان وی) از آسمان سنگ بر سر ما بیارد، او مردی است که با مادران و دختران و خواهران نیز زنا می کند؛ وی شراب می نوشد و نماز نمی خواند.»

دیگری گفت: «ما از نزد مردی آمدیم که دین ندارد، شراب می نوشد، طنبور می نوازد، نوازندگان به نزد وی به لهو و لعب مشغولند، با سگ ها بازی می کند، با جمعی از دزدان شب نشینی دارد.»^(۱)

مردم مدینه به همین خاطر بر ضد یزید قیام کردند و

ص: ۶۶

۱- . عاشورا ریشه ها و انگیزه ها، ص ۲۱۵.

تا خبر به یزید رسید، لشکری فراهم کرد و به مدینه فرستاد و چنان فجایعی در مدینه اتفاق افتاد که در تاریخ کم نظیرست. در یک روز حدود ده هزار نفر کشته شدند و جان و مال و ناموس مردم مدینه سه روز بر لشکریان حلال شد. این جریان در تاریخ به واقعه حره معروف است. (۱)

یکی دیگر از کسانی که زمان شناس نبود و به موقع بیدار نشد، سلیمان صرد خزاعی بود. به وقت خودش از امام دفاع نکرد، ولی بعد قیام تواین را به راه انداخت. به قول شهید محسن گلستانی: وقتی حسین در صحنه است اگر در صحنه نباشی هر جا می خواهی باش؛ چه ایستاده به نماز چه نشسته بر سفره شراب. (۲)

رفتار سازی

یکی از چیزهایی که در این ایام اعتکاف باید از خدا بخواهیم اینست که زمان شناس باشیم. اگر می خواهیم به

ص: ۶۷

۱- . الکامل، ج ۴، ص ۱۱۲.

۲- . سایت رهسپاریم با ولایت.

درد امام زمان بخوریم باید زمان شناس باشیم وگرنه به سرنوشت سلیمان ها و عبدالله ها دچار می شویم. وقتی زمان شناس شدیم وظیفه مان را در هر زمانی تشخیص خواهیم داد. یکی از اموری که انسان را زمان شناس می کند توجه به کلام ولایت است، چرا که ایشان بهتر از هر کسی می داند مهمترین نیاز کشور چیست. در روایت آمده است:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^(۱)

عامل دیگری که به زمان شناسی کمک می کند، بی تفاوت نبودن به مسائل روز کشور و جهان است. پدر شهید فهمیده می گوید: من می دیدم که گاهی حسین دوازده ساله صبح از کرج می رود تهران و شب برمی گردد. ازش پرسیدم: کجا میری و برمی گردی؟ گفت: در دانشگاه تعداد محدودی نشریه پخش می شود که تفکرات این دانشجویان را به هم می زند. من با پول

ص: ۶۸

۱- . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

تو جیبی ام آن ها را می خرم و پاره می کنم.

روضه

حضرت زینب سلام الله علیها عمری در داغ برادر سوخت. در همان ابتدای ورود، وقتی کاروان به مدینه می رسد، زینب کبری سلام الله علیها خود را به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله می رساند و در حالی که دو طرف در مسجد را گرفته است، خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید:

«يَا جَدَّاهُ إِنِّي نَاعِيَةٌ إِلَيْكَ أَخِي الْحُسَيْنَ وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ لَا تَجِفُّ لَهَا عَبْرَةٌ وَلَا تَفْتُرُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ النَّحِيبِ وَ كُلَّمَا نَظَرْتُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ تَجَدَّدَ حُزْنُهَا وَ زَادَ وَجْدُهَا.» (۱)

یا جداه! من خبر مرگ برادرم حسین را برای تو آورده ام. زینب پیوسته گریه می کرد و اشک و آهش تمامی نداشت. و هر بار که به برادرزاده اش علی بن الحسین علیه السلام می نگریست، اندوهش تازه و غمش افزوده می شد.

ص: ۶۹

نقل شده است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام زنان بنی هاشم لباس های سیاه و خشن بر تن کردند، از سرما و گرما پروایی نداشتند. (۱)

ص: ۷۰

۱- . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

